

صنایع ایران « بعد از اسلام »

تالیف

دکتر زکی محمد حسن

ترجمه

محمد علی خلیلی



بسر مایه

کتابفروشی و چاپخانه اقبال

حو حاب محفوظ

۱۳۲۰

مقدمه شرح جیم

ایران همیشه یکی از بزرگترین کانونهای علوم و صنایع و هنرهای زیبا بوده است و این سرزمین از قرن‌ها پیش از میلاد دانشمندان و ادباء و نویسندگان و صنعتگران زبردستی پرورانده که همیشه افتخار این سرزمین بوده و بعالم مدنیت شرق و غرب خدمات شایانی کرده‌اند و همین عوامل است که ایران را در نزد بزرگان عالم معروف کرده و دیرزمانی است که آنها را متوجه آثار ایران باستان نموده و جهان گردان و خاور شناسان و دانشمندان آنها از دور و نزدیک در فرهنگ و مدنیت ایران مشغول کنجکاوی شده و کتابهای زیادی در این خصوص نوشته‌اند

ایران بهمان اندازه که در علوم و ادبیات معروف شده در صنایع و فنون نیز حائز شهرت گردیده است و بهمان اندازه که آثار علمی و ادبی این کشور کتابخانه‌های عالم را پر کرده است آثار زیبای صنعتگران و هنرمندانش موزه‌های عمومی و مجموعه‌های خصوصی جهان را زینت میدهد و دانشمندان و بزرگان غرب را برای بدست آوردن این آثار گرانبها و مشاهده بقایای آنها داین سرزمین میکشاند و چون بکشورهای خود برمیگردند توشه‌های مادی و معنوی بسیار گرانبهائی با خود بطور ارمغان برده و از روی آنها خدمات شایان تهیه میکنند و کتابها در خصوص آثار باستانی ایرانی و مدنیت دوره‌های پر افتخار این کشور مینویسند کتابهائی که در خصوص آثار باستانی ایران و دوران تمدن این کشور تاریخی نوشته شده بسیار است و بحث در اطراف آنها از کنجایش این مقدمه خارج است و در اینجا منظور نگارنده معرفی یکی از این کتابها است که اخیراً نوشته شده و واقعاً

یکی از کتابهای بسیار نفیس و بی مانند میباشد

کتاب نامبرده موسوم به « الفنون الايرانية في العصر الاسلامي » است و همان طور که از نامش پیداست در هنرهای زیبای بعد از اسلام ایران بحث مینماید. نویسنده کتاب آقای دکتر زکی محمدحسن یکی از دانشمندان بزرگ مصر میباشد و با تخصصی که در قسمت آثار اسلامی دارد خیلی خوب توانسته است از عهدہ انجام منظور خود برآید و خدمت بزرگی بفرهنگ ایران بنماید؛ کتاب نامبرده که ترجمه فارسی آن اینک در دسترس خوانندگان گذارده میشود از هر حیث کامل میباشد و مخصوصاً ترتیب تدوین کتاب جالب دقت است، نگارنده محترم اطلاعات وسیعی در این خصوص داشته و بمدارک مهمی مراحله نموده و از قرار معلوم مقدار زیادی از هنرهای زیبای ایران را در موزه مصر و موزه های کشورهای اروپا دیده است و کتاب خود را با انگاء باین مدارک و آثار تدوین نموده است و تا آنجا که ممکن است و سببش اجازه داده است از ادای حق مطلب برآمده است و اگر آقای دکتر زکی محمدحسن باین کشور سفر میکرد و آثار باستانی و موزه های ایران را از نزدیک میدید قطعاً اطلاعات تازه تری بر معلومتهش افزوده میشد که انعکاس آنها در این کتاب آنرا کاملتر و جامعتر مینمود با وجود این نمیشود گفت این قصر از نهای علمی و فنی کتاب کاسته است و نمیتوان از یک نفر دانشمند که از محیط ایران فرسنگها دور است بیش از این را متوقع بود. بهر حال این خدمت قابل بسی سپاس و ستایش است و برای تقدیر از زحمات این دانشمند کافی است که کتاب مورد دست و پا زدن وزارت فرهنگ واقع شده و نویسنده دانشمند آنرا با اعطای یکقطعه نشان علمی مخصوص گردانیده است چیزی که ارزش این کتاب را دوچندان میکند اینست که تا کنون چنین کتابی بزبان فارسی تدوین نشده و با آنکه ایران کمال نیازمندی را باین گونه تالیفات دارد مطبوعات ایرانی از داشتن چنین اثر نفیسی محروم بوده است بهمین جهت اینجانب در صدد ترجمه آن درآمد تا هم میهنان عزیز نیز از این گنجینه پر

بها بهره مند گردند . اما خود اعتراف دارم که نتوانسته‌ام کاملاً از عهدۀ انحصار این خدمت برآیم زیرا با آنکه علاقه زیادی با آثار باستانی و هنرهای زیبای ایران دارم متأسفانه از اطلاعات فنی محروم میباشم و با اصطلاحات فن باستانشناسی آشنا نیستم و از این رو است که ممکن است در ترجمۀ این اصطلاحات اشتباهاتی واقع شده باشد که در نظر ارباب فن ناپسند آید اما چون این نقص را قابل جبران میدانم از عموم دانشمندان درخواست مینمایم ترجمه را مورد انتقاد قرار داده و معایب آنرا برای مترجم بنویسند تا در چاپهای بعد اصلاح گردد .

تهران ۲۰ آبان ۱۳۲۰ محمد علی خلیلی

فهرست مندرجات کتاب صنایع ایران بعد از اسلام

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۳۳	مذهب کاری		مقدمه مترجم
	***	۱	چندول سلسله های شاهان ایران
۴۸	نقاشی	۳	مقام ایران در تاریخ فنون
	***		***
۸۸	پیدایش نقاشی اسلامی در ایران	۸	روشهای ایرانی در فنون اسلامی
۹	مکتب عراقی یا سلجوقی	۱۰	روش عباسی
۴۲	مکتب ایرانی مغولی	۱۱	روش سلجوقی
۹۹	مکتبهای دوره نیسوری		روش ایران در دوره مغول
۱۰۹	بهراد	۳۲	روش صفوی
۱۱۵	فاسم علی		***
	مکتب بخارا	۴۱	ساخته‌مان و فن معماری
۱۱۸	مکتب دوره اول صفوی	۴۵	نقشه کشی و آرایش
۱۳۱	مکتب دوره دوم صفوی	۴۶	انواع ساختمانهای ایران در دوره اسلامی
۱۳۸	میزان تصاویر ایرانی	۵۱	طاقهای ایرانی
	***	۵۱	طاقهای گنبدی
۱۴۳	صحافی و جلد سازی	۵۱	گنبدها
	***	۵۲	مناره ها
۱۵۰	قالی	۵۳	مقرنس
۱۵۱	تقسیم قالیهای ایران و تاریخ آنها	۵۴	آرایشهای برجسته معماری
۱۶۲	قالیهای ترنج دار	۵۳	گچ بری
۱۶۴	قالیهای گلدار	۵۷	کاشی کاری
۱۶۵	قالیهایی که دارای نقشه حیوانات است	۵۹	تقوش دیواری
۱۶۶	قالیهای لهستانی		***
۱۶۷	قالیهای گل و بانچه دار	۶۴	فن کتاب نویسی
۱۶۸	قالیهای گلدار (هرانی)	۶۵	خط و خوشنویسی
۱۶۹	جانمازها		***

ردیف	عنوان	صفحه	عنوان
۲۵۱	در قرن ۱۲ هجری	۱۷۲	خزف
	***	۱۷۶	تحقیق در خزف ایرانی
۲۵۲	قلابدوزی	۱۷۸	خزف و سوفال ایران در دوره اول اسلام
	***	۱۷۸	خزف و سوفال ملوراء النهر
۲۵۳	فلز سازی	۱۷۹	خزفهای سفید با نقشهای آبی و سبز
۲۵۴	در صدر اسلام	۱۸۱	خزفهای لعاب صدقی دار
۲۵۷	در دوره سلجوقی	۱۸۵	بدل حسن
۲۶۲	در دوره های مغولی و تیموری		خزفهایی که نقوش آنها زیر طبقه
۲۶۵	در دوره صفوی	۱۸۶	مینائی کنده شده
۲۶۸	اسلحه	۱۸۸	در دوره های سلجوقی و مغولی
	***	۱۸۹	خزفهای کنده کاری شده
۲۷۴	شیشه سازی و نجاری	۱۹۲	خزف گبری
	***	۱۹۴	خزف مازندرانی
	عناصر تزئینی که ایرانیان در صنایع	۱۹۶	ری
۲۸۵	دوره اسلامی بکار برده اند	۲۰۴	خزف شهر کاشان
۲۸۵	اشکال نباتی	۲۱۴	بکرنگ شهرهای ری و کاشان
۲۸۷	تصاویر آدمی	۲۱۶	خزف شهر ساوه
۲۹۰	اشکال حیوانی	۲۱۷	خزف سلطان آباد
۲۹۲	نرین با کتابت	۲۲۰	خزف دوره صفوی
۲۹۶	اشکال هندسی		***
	***	۲۲۶	منوجات
۳۰۱	تأثیر هنرهای ایران در فنون عالم	۲۲۶	صدر اسلام
	***	۲۳۱	در دوره سلجوقی
۳۱۳	خاتمه	۲۳۴	در دوره مغول
	***	۲۳۸	در دوره تیموریان
۳۲۷	مراجع کتاب	۲۴۱	در دوره صفوی
	گراورها و نقشه ایران		



جدول اسامی سلسله هائی که در ایران پادشاهی کرده اند

کیانیان	۵۵۹ - ۳۳۱ ق م
اسکندر مقدونی و جانشینان او	۳۳۰ - ۲۴۸ ق م
پارتها یا اسکایان	۲۵۰ ق م - ۲۲۶ میلادی
ساسانیان	۲۲۶ - ۶۴۱
ادویها	۴۱ - ۱۳۲ م (۶۶۱ - ۷۵۰ م)
عباسیها	۱۳۲ - ۶۵۶ م (۷۵۰ - ۱۲۵۸ م)
سامانیها	۲۶۱ - ۳۸۹ م (۸۷۴ - ۹۹۹ م)
آل بویه	۳۲۰ - ۴۴۸ م (۹۳۲ - ۱۰۵۶ م)
عربیها	۳۵۱ - ۵۸۲ م (۹۶۲ - ۱۱۸۶ م)
سلجوقیها	۴۲۹ - ۵۷۰ م (۱۰۳۷ - ۱۳۰۰ م)
خوارزمشاهیان	۴۷۰ - ۶۱۷ م (۱۰۷۷ - ۱۲۲۰ م)
مغول - بلخانیان	۶۵۶ - ۷۳۶ م (۱۲۵۸ - ۱۳۳۶ م)
جلایریها (در عراق)	۷۳۶ - ۸۱۴ م (۱۳۵۱ - ۱۳۶۱ م)
آل مظفر (در فارس و کرمان)	۷۱۳ - ۷۹۵ م (۱۱۳۱ - ۱۳۹۵ م)
آل کرت (در هرات)	۷۴۳ - ۷۸۴ م (۱۳۸۳ - ۱۴۲۵ م)
سربداران (در بخشی از حراسان)	۷۳۷ - ۷۸۳ م (۱۳۳۷ - ۱۳۸۱ م)
تیموریان	۷۷۱ - ۹۰۶ م (۱۳۶۹ - ۱۵۰۰ م)
قره قویونلوها	۷۸۲ - ۸۷۲ م (۱۳۸۰ - ۱۴۶۹ م)
آق قویونلوها	۷۸۰ - ۹۰۸ م (۱۳۷۸ - ۱۵۰۴ م)

- « ۱۷۳۶ ۱۵۰۲) ۱۱۴۸ - ۹۰۷ صفویه
- « ۱۷۹۶ - ۱۷۳۶) ۱۲۱۰ - ۱۱۴۸ اقصاریه
- « ۱۷۹۴ - ۱۷۵۰) ۱۲۰۹ - ۱۱۳۶ زندیه
- « ۱۹۲۶ - ۱۷۷۹) ۱۳۴۵ - ۱۱۹۳ قاجارها
- « ۱۹۲۶ - ۱۳۴۵ سلسله شاهنشاهی پهلوی

مقام ایران در تاریخ فنون

خوشبختی و سعادت برخی از ملل این بوده که در تاریخ مدنیت عالم مقامی ارجمند داشته و در میدان پیشه و هنر و فنون سرمشقی شده‌اند که دیگران از آنها تقلید و پیروی نمایند. و خوشبختانه یونانیها و ایرانیان و چینیها در رأس این ملل قرار گرفته‌اند.

مثلا یونانیها اساس فنون و صنایع کلاسیک را برقرار کرده‌اند و در نتیجه صنایع امروزی غرب بر همان اساس برپا شده و از آن بوجود آمده است و روش صنعتی و فنی چین بر بیشتر قطعه آسیا حکومت کرده و کمتر جائی از آن قطعه پهناور است که از تأثیر آن بی‌بهره باشد، و چون بایران نظر کنیم میبینیم که محل تلاقی و برخورد فنون و صنایع قدیمه شرق نزدیک بوده و روشهای فنی متنوعی در آن نشو و نما کرده است و فنون و صنایع بابل - آشور - مصر - هند - یونان در آن تأثیر نمایان داشته و پس از اینکه در کشور ایران نشو و نما کرده در سراسر قرون قدیمه و وسطی در عالم منتشر شده و در فنون و صنایع سایر ملل تأثیر بسزائی داشته است، باستانی فنون و صنایع یونان میتوان گفت دوره هیچ فن و صنعتی مانند فنون و صنایع ایران نمانده است گذشته زاین با کمز اطمینان و عقیده اساسی میگوئیم هیچ فن و صنعت مهمی در عالم یافت نمیشود مگر اینکه فنون و صنایع ایرانی در آنها مؤثر بوده و ز روش و یا ظریف کاری و تزیین آن اقتباس کرده باشند.

آری تمام فنون و صنایع یونانی و مصری قدیم و روم و بیزانت و چین و هند در بعضی از اشکال فنی و روشهای معماری و تزئینی و در زحیث رموز فنی و ظریف کاری مدیون فنون و صنایع ایرانی میباشد.

تفوق فنی و عظمت ایران در میدان صنایع زده تفوق این ملت در میدانهای

جنگ و سیاست و مدنیت و مولود فرمانفرمایی او میباشد. زیرا همه میدانیم که قرنها فقط دو ملت ایران و یونان برعالم آفریز حکومت داشته‌اند. در آنوقت که اسکندر کبیر بفکر افتاد در زیر پرچم یونان امپراطوری و سلطنتی تشکیل دهد که شرق و غرب عالم را فرا گیرد اول دفعه متوجه ایران شد و این کشور را برای مرکزیت این امپراطوری و شاهنشاهی در نظر آورد و انتخاب نمود. ولی پیش از اینکه باین مشروع بزرگ نایل شود در گذشت و اجل باو مهلت نداد باوجود این فتوحاتی که در شرق نزدیک کرد راه را برای انتشار تمدن و روش پرورش یونانی آماده ساخت. و بر اثر آن ایران و افغانستان تا مدتی محل تلاقی و برخورد روشهای قبی و صنعتی ایرانی و یونانی و هندی گردیدند. و تنها در آن قسمت ارفلات ایران که یونانی نشین شد و اسرائیلی از یونانیان و جاشینان اسکندر بر آنها حکومت میکردند فنون یونانی غلبه داشت و آثار مدنیت هلنیستی نمایان تر بود.

از سال ۳۳۶ میلادی ساسانیان در ایران تشکیل حکومتی دادند که در پرتو آن پادشاهان این سلسله توانستند وحدت ملی ایرانی را ایجاد کنند. پادشاهان این سلسله سالین در درجنگ با امپراطوری بیزانت و طوایف صحرا گردی که از طرف مشرق با شمال بر حدود ایران حمله در میشدند صرف نموده‌اند از جمله پادشاهان این سلسله که آثار صنعتی و قبی نام آنها را زنده و جاوید گذارده است یکی شاپور اول است که در سال ۲۶۰ میلادی و اولین امپراطور را در نزدیکی شهر رها شکست داده اسیر نمود و ایرانیان این فتح و پیروزی را در نقوش و سنگ نوشته‌های خود و مخصوصا در نقش رستم که در نزدیکی پرسپولیس قدیم و شهر اصطخر فعلی است نوشته و برای همیشه بیادگار گذاردند و قیصر روم را در حالیکه در برابر شاهنشاه بزرگ ایران بضاك افتاده است حیا ی نمودند. (۱)

(1) Zaky . M Hassan : Hunting , as , Practised , in Avad , Countries ,
of , the Middle , Ages ص ۸-۹ گراور شماره ۱

دوام جنگهای ایران و روم و طول مدت آنها در دوره ساسانیان مانع توجه ملت ایران به فنون و صنایع زیبا نشده بلکه همین جنگها در آنوقت از مهمترین عوامل اتصال دو ملت بزرگ ایران و یونان شده است و برخلاف میل و انتظار هر دو طرف اقتباسهای فنی زیادی از همدیگر کردند و بر اثر آن مقدار مهمی از فنون و صنایع ظریفه ایران را بیزانت فرا گرفت و طولی نکشید که این موضوعها کاملاً با فنون بیزانت ممزوج و باهم آمیخته شده است و از آنجا بوسیله فنون و صنایع بیزانت به حوزه دریای سفید که در آنوقت تابع بیزانت بود انتقال یافته است و این مدعا از تزیینات و نقش و نگار پارچه‌ها و بافته‌هاییکه باستان شناسان در ضمن کاوشهای خود در مصر علیا بدست آوردند ثابت شده است. بعلاوه تزییناتیکه در دوره قبطی در مصر بکار رفته و مخصوصاً اشکالی که در روی سنگها و چوبها کنده شده است گواه این مدعا میباشد.

جنگهای ممتد بین ایران و بیزانت گذشته از تأثیری که در حالت اجتماعی و دینی دو طرف داشت قوای آنها را نیز ضعیف کرد بطوریکه در اوایل قرن هفتم میلادی قادر نبودند از سیل حملات سپاه عرب که در زیر پرچم وحدت اسلامی گرد آمده بودند جلوگیری کنند و بر اثر آن حکومت ایران از میان رفت و آن کشور استقلال سیاسی خود را از دست داد و یکی از اجزای امپراطوری عظیمی شد که اعراب موفق بتأسیس آن شدند. حکومت بیزانت نیز تمام مستعمرات شرق نزدیک خود را از دست داد و فقط بوسیله دریا که میان آنها و سپاه اسلام فاصله بود از سقوط قطعی نجات یافت زیرا عرب در آنروز از سواری و رفت و آمد در آن اطلاعی نداشتند. تأثیر فتوحات اسلامی در ایران خیلی بیشتر از تأثیر فتوحات اسکندر بود و میتواند گفت رو به مرفته تأثیر خوبی داشته و آن کشور را از سقوط حقیقی نجات داده است زیرا از دست رفتن استقلال سیاسی آن نتیجه منطقی را که انتظار میرفت در بر نداشت و هیچ تأثیری در مدنیت و فنون و صنایع آن نکرد و ابداً موجب نیستی و

یا ضعف و تقهقر آن نگردید ، زیرا عرب قومی بودند که دلهایشان بانور ایمان روشن شده بود و بمردانگی و جرأت و اقدام متحلی بودند و بر اثر حکمت و خردمندی موروث خود حس کردند که درکشورداری و روشهای فنی کاملاً بمساعدت و همراهی ایرانیان نیازمند میباشند و چون دوره اموی که مملو از فتوحات اسلامی و طرفداری از عرب بود پایان رسید و عباسیها مقر حکومت خود را به بغداد منتقل نمودند ایرانیان بر سر کار آمدند : همین تطور خودنشانه و د از فیروزمندی ایرانیان در میدان حیات اجتماعی و فنی و علمی و البته تقدم آنها امر شگفت آوری نبود زیرا دولت عباسی با اقدام و فداکاری ایرانیان در خراسان بوجود آمد و اساس آنرا ایرانیان استوار کردند .

پس از این انقلاب طوای نکشید که ایران از حیث ساختمانهای عالی و صنایع ظریف در رأس سایر ملل قرار گرفت و بدیهی است برای آن کشور اشکالی نداشت که در میدان صنایع و فنون اسلامی حائز مقام ریاست شود زیرا ملت ایران بالطبع پیشه ور و دارای ذوق فنی است و برای تصدیق بن مدعا کافی است یکی از خانه ها یا کاخهای ایرانی را مشاهده نمائیم بادر یکی از تحف و آثار صنعتی ایران دقت کنیم . خلاصه آنکه تطور و ترقی فنون و صنایع قدیم شرق نزدیک بوسیله ایرانیان بوده است و پس از آن در فنون و صنایع اسلامی هم بلندترین و ارجمندترین مقامات را حائز شده اند و حتی ترکها هم خیلی از روشهای فنی آنها را اقتباس کرده و انتشار داده اند ولی خود عرب اقتباسهای اساسی مهمی نداشتند و این خلدون را در این خصوص فصلی است بدین عنوان :

« در اینکه ساختمانها و مؤسسات درمات اسلامی نسبت بقدرت و مقام آن و نسبت بحکومتهای پیش زارخیل کم است » در این فصل علاوه بر این امر بیان کرده و گفته است (بن مر بن جبر برده که عرب مردمی چه در پیشین و دور از عالم صنعت بوده بد و در اوایل مر دیانت اسلامی ، زیاد روی در ساختمانها و تشیید عمارات

عالی که از روی قصد اساسی و نیت دینی نبود مخالفت کرده است. ولی وقتی مردم نسبت بدین بعیدالعهد شدند و از بعضی قیود آن آزاد گردیدند و طبیعت تنعم و فرما روی بر آنها غلبه یافت ایرانیان را بکار گذاشتند و فن معماری و مهندسی را از این ملت اقتباس کردند و زندگانی اشرافی و آسایش طلبی آنها را و ادار باین کار کرد بنابراین در صدد ایجاد ساختمانها و کاخهای عالی برآمدند).

از عواملی که در ترقی و پیشرفت روشهای فنی ایران و انتشار آنها تأثیر داشته این است که ایران از قرن چهارم هجری (دهم میلادی) استقلال سیاسی و فرهنگی خود را دوباره بدست آورده و بر اثر آن تمدن ایران از نو زنده شده است و فنون و صنایع ایرانی را در چمنزار خود آبیاری نموده و پرورش داده است و فنون و آداب در پرتو آن روئیده و شاخهای بارور شادابش بر آن سرزمین پرتو افکن شده است.

روشهای ایرانی در فنون اسلامی

فنون اسلامی در اندلس (اسپانیا) و مغرب دور (مراکش) و مغرب نزدیک (الجزایر) و آفریقا (تونس) و سیسیل و طرابلس و مصر و شام و عربستان و آسیای صغیر و بالکان و قسمت جنوبی روسیه و دیار بکر و موصل و عراق و ایران و ماوراء النهر و افغانستان و هندوستان منتشر گردید ولی ملل دیگری مانند ملل مالایو و سکنه جزایر هند شرقی و صحرای کبیر آفریقا و سودان بوده اند که قبول دین اسلام را کرده اند ولی فنون اسلامی کامل و صحیحی در میان آنها بوجود نیامده است (۱) امراء و بزرگان اسلام غالباً صنعتگران و ارباب فنون را بنواحی مختلف امپراطوری اسلامی منتقل میکردند و بعضی از آنها را که دارای شهرت بودند و در سایر بلاد اسلامی میزیستند بمقر حکومت خود دعوت میکردند و بدیهی است که این نقل و انتقال برای تطور و ترقی فنون اسلامی و تولید روشهای مختلف بسیار مفید بوده و در این موضوع تأثیر بسزائی داشته است روشهای مختلف را بهم نزدیک و گاهی با همدیگر همزوج مینموده است و بهر حال با این ترتیب روشهای فنی و صنعتی تأثیر بسزائی در همدیگر میکرده اند.

اختلافات و تفاوت های نژادی مناطق مختلفه و اهتمام و توجه خاندانهای سلطنتی و زمامداران عموماً در طبیعت فنون و صنایع اسلامی تأثیر داشته است و بهمین جهت مطلعین و کار آگاهان از روی همین نظریه فنون اسلامی را بمکتبهای تقسیم کرده اند که عبارتند از: مکتب یاروش اموی در شرق و روش اموی در غرب (در اندلس) و روش عباسی و روش فاطمی و روش سلجوقی و روش ایرانی مغولی - و روش مملوکی و روش غربی اسپانیائی و روش صفوی و روش مغولی هندی و روش ترکی .

(۱) L, Massigon : T. w. Arnold : the , Preaching , of , Islam , Annuaire , du Monde , Musulman

البته مقصود از این تقسیم آن نیست که گفته شود فرق میان این روشها و مکتبهای فنی زیاد میباشد زیرا در بعضی بعدی کم است که تمیز آن حتی بر کار آگاهان مشکل است و این اشکال در تمیز دادن بین روشهای فنی يك ناحیه بیشتر میشود مثلاً میتوان از روی این تقسیم ابتدا وانتهای حکمفرمایی يك خاندانی را تمیز داد اما چون روشهای فنی از همدیگر بوجود میآیند و تطور مییابند بهمین جهت قائل شدن بعد فاصلی میان این دو روش تازان ازه زیادی امری وضعی و اصطلاحی است. اما کشور ایران مرکز چهار روش از روشهای اسلامی بوده است که عبارتند: روش عباسی - روش سلجوقی - روش ایرانی مغولی - روش صفوی .

روش عباسی

روش عباسی همان روشی است ~~سکه~~ که پس از استقرار مرکز خلافت در بغداد سراسر کشور اسلامی را فرا گرفته است و مهمترین مظاهر آن بکار بردن آجر و کج در ساختمانها است یعنی در این سبک این دو ماده جای سنگ را که در معماری شام بکار میرفت گرفته است اما در ساختمان مساجد در قرن چهارم هجری (قرن دهم میلادی) قواعد معماری قدیم تأثیر نمایانی داشته و مساجد بزرگ دارای ستونهای متعددی بودند که بی واسطه و بدون بکار بردن طاق سقف بر روی آنها قرار میگرفت ، و در بعضی مساجد ستونهای چوبی بکار میرفت و شاید قدیمترین ساختمانهای اسلامی که هنوز در ایران بریاست مسجدهائین باشد که در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) ساخته شده است . این مسجد مشتمل بر یک صحن و کج بریهای بسیار زیبایی است که خیلی شبیه به کج بریهای سامره و روش طولونی مصر است (۱) اما سقف این مسجد مسطح است و از چوب نیست بلکه از گنبد های آجری متعددی تکوین شده است .

امتیازی که روش با سبک عباسی دارد این است که در فنون تطبیقی و فرعی همان تزیینات ساسانی را بکار میبرد ولی باز تحسینات و تصرفات جزئی در بعضی اوقات در آن مشاهده میشود که تا حدی از خشونت آن میگذرد .

این امتیاز و خاصیت در آثار و صنایع فلزی و پارچهها که در قرن دوم و سوم هجری (هشتم و نهم میلادی) ساخته و بافته شده است بخوبی نمایان است ، امتیاز دیگری که این سبک دارد بکار بردن ماده لعاب صدفی است که در ایران و مصر و عراق و تونس ساخته میشد ، و ما در فصلهای آینده این کتاب مفصلاً در این موضوع بحث خواهیم نمود .

(۱) کتاب (الفن الاسلامی فی مصر) ج ۱ ص ۶۸-۷۸ رجوع شود .

روش سلجوقی

روش سلجوقی متسوب بسلاجقه است اینها از طوایف چادر نشین و صحرا گردنر کمنها بوده اند و از نواحی قرقیز واقع در آسیای مرکزی آمده (۱) و در فلات ایران رحل اقامت افکنده اند، سلاجقه از پیروان مذهب سنت و جماعت بودند و از قرن پنجم میلادی (نیمه قرن یازدهم هجری) موفق شده اند حکومت شرق نزدیک را بدست آورند، ولی امپراطوری وسیع آنها چندان دوامی نکرد و خیلی زود رو بتجزی نهاده و هر ناحیه از آن بدست یکی از امرای خاندان سلجوقی و یا سرداران بزرگ آنها که معروف باتابکان بودند افتاد و خاندانهای سلطنتی تشکیل دادند که تا قرن هفتم هجری (اوائل قرن سیزدهم میلادی) دوام داشته است و در این قرن بدست مغولها منقرض شده اند، سلاجقه در ایران و آسیای صغیر و عراق همیشه حامی و مروج صنایع و فنون بوده اند ولی هیچگاه نژاد ترك که این قوم منتسب بآن بوده اند تأثیر خود را در معماری و ساختمان و آثار صنعتی این دوره ظاهر نساخته است و شاید علت این باشد که سلاجقه در تمام نواحی کشور اسلامی خود بومیها را بکار و ادار میگردند و بواسطه بکار گماشتن و یا خریدن صنایع و آثار فنی آنها را تشویق مینمودند اما با وجود این در این دوره يك سبك و روش خاص و مستقلى بوجود آمده و در سایه تشویق و حمایت امراء و سلاطین سلجوقی ایجاد شده و دارای ممیزات خاصی است که از جمله عظمت بنا و تسامح و استحکام آن میباشد در این روش اشکال موجودات جاندار که تقلیدی از طبیعت است بکار رفته، و از جمله ممیزات دیگر آن بکار بردن تزئینات و اشکال برجسته است که مخصوصاً در قسمت نمای ساختمانهای این دوره بکار میرفته است.

مهمترین آثار فنی که از این سبك و روش باقی مانده است اثری است که امروزه منسوب بآسیای صغیر، ارمنستان و دیاربکر و موصل و شام میباشد و آنچه در ساختمانهای دینی این

(۱) تاریخ مسکن اولیه این طوایف را دشت قبیچاق گفته است

دوره قابل دقت و ملاحظه است این است که غالباً منحصر به مساجد نبوده بلکه در دوره سلجوقی ساختن قبور و مزارها بشکل اسطوانه‌ای و یا باضلع‌های متعدد نیز رواج داشته و گاهی بشکل ساختمانهای گنبدی دیده می‌شده است، یکی دیگر از ممیزات این دوره اینست که سلجوقیان ساختن مدارس و آموزشگاههایی پرداخته اند که در آنها اصول مذهب اهل سنت تدریس می‌شده. در آنوقت مذهب شافعی پیروان زیادی داشته است که در بعضی از نقاط ایران بسر می‌بردند، ولی این مذهب جز بوسیله سلجوقیان دارای سمت رسمی نشده و مخصوصاً خواجه نظام الملک وزیر که مدارس عالی و مهمی ساخته و معروف به حمایت و رعایت جانب فیلسوف و شاعر بزرگ ایران عمر خیام می‌باشد در راه ترویج این مذهب کوشیده است، اما متأسفانه از مدارس که در این دوره بدست این وزیر با دیگران ساخته شده اثری باقی نیست و همینقدر میدانیم در تمام این مدارس که در ایران بود اصول مذهب شافعی تدریس می‌شده است اما در مدارس آروزی عراق مذهب احمد بن حنبل را تدریس می‌نمودند و در مدارس که در موصل و سوریه ساخته شده بود اصول مذهب ابوحنیفه تدریس می‌شده است المستنصر بالله عباسی (۶۲۳ - ۶۴۰ هـ ۱۲۲۶ - ۱۲۴۲ م) در ایام خلافت خود مدرسه‌ای در بغداد ساخته که بنام خود او معروف شده است و امتیاز آن این بود که هر چهار مذهب اهل سنت و جماعت در آن تدریس می‌شده است.

معمول شدن بنای مدارس تأثیر زیادی در طرز ساختمان مساجد نیز داشت زیرا ایرانیان از آنوقت توانسته اند که تطوری در بنای مساجد و مدارس بدهند و عموماً در این دوره مدارس دارای حیاطهای مستطیل بوده و در مساجد گنبدهای متعدد بکار رفته است، این سبک ساختمان مساجد بزودی از ایران سایر شهرستانهای کشور اسلامی منتقل شده و در بیشتر آنها معمول گردیده است و رفته رفته صحنهای مساجد با فضای مدارس چندان تفاوت و اختلافی باهم نداشته اند و چون در اینجا مجال

نیست که بشرح و تفصیل ساختمان و معماری انواع مساجد که در ساختمان آنها ذوق و قریحه ایرانی چندان دخالت نداشته و رابطه قوی با آن ندارد بپردازیم؛ دنباله دوره سلجوقی را گرفته میگوئیم یکی از ممیزاتی که در ساختمانهای دوره سلجوقی مشاهده میشود و تقریباً در تمام ساختمانهای آن دوره عمومیت دارد عظمت و اهمیت مدخل بنا میباشد و از ممیزات دیگر این سبک تنوع در تزئین درهائی است که در آن ساختمانها بکار گذارده اند بطوری که ساختمان بواسطه آنها يك شکل خاص و امتیاز بی مانندی بخود گرفته است (۱).

در دوره سلجوقی ساختمان گنبد و شبستان پیشرفت مهمی کرد و ساختمانهای زیادی باین سبک بریافتند و این پیشرفت از مسجد جامع اصفهان و مخصوصاً از آن قسمتی که در دوره ملکشاه سلجوقی و بامراو ساخته شده است بخوبی واضح و نمایان است (بشکل ۵ رجوع شود).

در دو قرن ششم و هفتم هجری (دوازدهم و سیزدهم میلادی) تجدد مهمی در ساختمانهای ایرانی دیده میشود و آن عبارت از زینت دادن دیوارهای عمارت بکاشیهایی الوان و لوحه های معرق (موزائیک) میباشد؛ در این دوره ایران محرابهای مسطح بدون قرو رفتگی را شناخته و بکار برده است این محرابها دارای اشکال و نقشهائی بود و محرابی را مجسم میکرد که دو ستون در دو طرفش قرار گرفته باشد و عموماً از گچ و یا از کاشیهایی لعاب صدفی دار ساخته میشد؛ و امروز در قسمت اسلامی موزه بران محرابی از همین نوع کاشی موجود است که در روی آن تاریخ سال ۶۲۳ هـ (۱۲۲۶ میلادی) دیده میشود و گمان میرود که در مسجد میدان شهر کاشان بوده است (بشکل ۳۱ رجوع شود).

(۱) بدائرة المعارف اسلامی بمده «مسجد» در آنجا که راجع بمدارس بحث میکند رجوع شود (ص ۴۰۲ بیمن از جزء سوم از نسخه اراوسوی)

از جمله ممیزات دوره سلجوقی تجدد و تطوری است که در کتابت پدید آمده در این دوره علاوه از بکار بردن خط کوفی که با گیل و بوته زینت عیافت و باین وسیله حروف آن بهم‌دیگر متصل میشد خط نسخ نیز استعمال شده و بر اثر آن فن کتابت يك زیبایی تازه بخود گرفته و از وسایل تزئین ساختمانها شده است ، اما تاریخ بکار بردن خط نسخ بر حسب مناطق و نواحی کشور اسلامی متفاوت است و فقط بطور کلی میتوان گفت که این نوع کتابت از قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) مورد استعمال قرار گرفته و این تطوری که در خط حادث شده است از این تاریخ شروع میشود (۱)

در این عصر استعمال کاغذ شیوع یافته است و دیگر جز در مواقع معینی برای کتابت پوست را استعمال نکرده اند و معروف است که مسلمین استعمال کاغذ و صنعت کاغذ سازی را از مردم چین اخذ کرده اند و اولین کارخانه کاغذ سازی در شهر سمرقند تأسیس شده است و صنعت کاغذسازی از آن شهر بسایر شهرهای اسلامی رفته است (۲) . و از جمله چیزهاییکه بدوره سلجوقی اول منسوب شده سبك و روشی است در نقاشی اسلامی که بیشتر اوقات آنرا روش عراقی یا بغدادی گویند ، اما چنانکه در بحث نقاشی ایرانی بیان خواهیم کرد این سبك و روش را میتوان عربی دانست و منسوب نمودنش بعراب سزاوار تر از انتساب آن بایران یا عراق است .

(۱) نگاه شرقی در دانشگاه شیکاگو اخیراً کتابی منتشر نموده که دارای بیانات یردهائی در خصوص خط و تطوری آن میباشد و مشتمل بر فهرستی از کتابهایی است که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده و این کتاب موسوم است به :

Nabia, Abbott: The, Rise. of, the, North, Arabic, Script, and its, Kuranic, Development, With, a, Full, Description of the Kuran, Manuscripts, in, the Oriental, Institute (University, of Chicago, 1939)

(۲) R. H. Clapperton: Paper, Historical, Account, of its, Making, by, Hand, from, the, Earliest, Times, down, to

the, Present Day (Oxford, 1934) ص ۵۸ - ۵۷

برای معرفی این سبك و روش کافی است گفته شود نقاشیهائی كه در این مکتب میشد از جنبه دقت در رنگ آمیزی و زیبایی و استادی و قدرت در تعبیر و تناسب بین اجزاء کمتر از نقاشیهای غربی معاصر خود نبوده . و میتوان گفت كه این مکتب از روش نقاشی و صورت كشی پیروان مانی اقتباس هائی نموده و از آثاری كه در معابد تركستان شرقی و دیرهای آنجا باقی بود استفاده کرده است و ما میدانیم مانی یکی از مصلحین اجتماعی بزرگ ایران است كه در قرن سوم میلادی زندگانی کرده و آئین تازه ای كه مخلوطی از آئین زردشتی و مسیحی بود آورده و مردم را به پیروی از آن دعوت کرده است ، بعلاوه یکی از نقاشان ماهروزبردست بوده است و شاید شاگردان او نیز مانند او در نقاشی مهارت داشته اند ، و این گمان از اینجا قوت میگیرد كه ما میدانیم و كتب تاریخی و مصادر ادبی تأیید میکند كه مانی و پیروانش برای توضیح كتب دینی خود و مجسم نمودن مطالب برای فهماندن آنها ب مردم متوسل بنقش و نگار شده اند ، و بعضی از این صور و تابلو هارا در دانشمند خاور شناس آلمانی فون لو كوك Von Le Coq و گرین ویدل Grünwedel در خرابه های شهر ترفان كه از توابع كاشغرستان (تركستان چین) است بدست آورده اند این شهر در سالهای ۱۴۳ و ۲۲۵ هجری (۷۶۰ - ۲۸۴۰) پایتخت حكومت اویغوری ترك نژاد مانوی مذهب بوده است ، و معروف است كه سلجوقیان در میان خواص و درباریان خود جمعی از نویسندگان اویغوری داشته اند ، بهین جهت است كه گمان میبرده اند این اویغوری ها در تكوین مکتب نقاشی عراق خیلی بیشتر از پیروان کلیسای عیسوی ساكن شامات و دبار بكر و موصل تأثیر داشته اند .

در این دوره فلزكاری و ساختن مصنوعات ظریف فلزی رواج و رونقی داشته و استان خراسان در این زمینه كوی پیشی را برده و مقام ممتازی را در فلزكاری داشته است و شاید علت این تقدم برای آنست كه خراسان در دوره ساسانیان (۲۶۱

۳۸۹ هـ یا ۸۷۴-۹۹۹ م) بزرگترین مرکز تهیه تحفه ها و ظروف برونزی و تزیین آنها بصور و اشکال مطابق روش ایرانی قدیم پاروش ساسانی بوده است ، و امروز در بعضی از موزه ها و مجموعه های آثار باستانی مقدار زیادی از این تحفه های معدنی موجود است که در روی آنها بعضی از صور و نقش و نگار های سبکهای ماقبل اسلام دیده میشود ، فقط بعضی اضافات و نکات دقیقی در آنها هست که کار شناسان بآنها پی میبرند و از روی آنها حکم میکنند که این اشیاء از صنایع قرنهای اسلامی است ، ولی صنعتگران در ساختن آنها سبک و روش ساسانی را از دست نداده و از آن پیروی کرده اند ، یعنی تنها به پیروی سبک و روش اکتفا نکرده در آن صنایع حتی از شکل و ساختمان ظروف قدیم نیز پیروی کرده اند .

باری همانطور که گفته شد در دوره سلجوقی یعنی در دو قرن پنجم و ششم هجری (یازدهم و دوازدهم میلادی) خراسان بساختن مصنوعات و تحف فلزی مخصوصاً مس و نقره معروف و مشهور شد و غالباً این ظروف و آلات فلزی باحواشی و خطوط افقی که در آنها کتبات نسخ بکار میرفت تزیین میشد و این حواشی و خطوط منتهی بقوائم حروف میگردد و در آنها صورت های رامشگران و سواران و بعضی مجالس عیش و طرب و ساز و موسیقی و باصورت هایی از پهلوانان کشیده میشد و آن ظروف و با این اشکال زینت مییافت. و مادر آنوقت که اجمع صنایع و تحف معدنی ایران بحث میکنیم این نکات را مفصلاً شرح خواهیم داد ، صنعت طلا کوبی نیز برای تزیین ظروف بوده و میتوان گفت بزرگترین شهرها در دو قرن ششم و هفتم هـ (دوازدهم و سیزدهم میلادی) که اولین مرکز برای صنایع ظریفه فلزی و طلا یا نقره کوبی بود که شهر موصل است در ظریف کاری ظروف و مراعات دقت در مصنوعات فلزی خود که زر و سیم در آنها بکار رفته است ممتاز و مشهور گردیده و مخصوصاً طلا کوب یا نقره کوب کردن ظروف و آلات صنایع این شهر را رونق و شهرت بسزائی داده و بآنها یک زیبایی و ابداع بی مانندی بخشیده است ؛ کلیه علت تزیین مصنوعات فلزی بازر و سیم برای این بود که شریعت اسلامی ساختن ظروف و سایر اوانی را از فلزهای

قیمتی یعنی زر و سیم مکروه بلکه ممنوع کرده بود بهمین جهت صنعتگران اسلامی برای اجتناب از این کراهیت و منع و استفاده از این دو فلز در صنایع خود به تزئین ظروف آلات مسی و برنزی با زر و سیم دست زده‌اند.

مکتب موصل تأثیر زیادی در تطور صنعت فلز کاری در سایر نواحی کشور اسلامی داشته است زیرا عده‌ای از پرورش یافتگان آن بقاهره و شهر حلب و بغداد و دمشق مهاجرت نمودند و در آنجا مکتبهای جدیدی برای ساختن تحف فلزی و طلا کوبی ایجاد کرده و برای خرد روشهایی بوجود آورده‌اند که روش و سبک موصلی کاملاً در آنها نمایان بوده است و معلوم می‌باشد که روش مکتب مزبور در این روشها و مکتب جدید تأثیر کلی نموده است.

صنعت خزف سازی نیز در دوره سلجوقی رونق گرفت و مهادت و استادی ایرانیان و عراقیها که این صنعت را از نیاکان خود بارت برده‌اند کاملاً نمایان شد و در آنوقت بکار بردن کاشی در زینت دادن دیوارها و نماهای عمارت و همچنین استعمال خزف برای ساختن ظروف بسیار زیبا متداول و معمول گردید و در این صنعت دو شهر موصل و رقه در شهرت گوی سبقت را ربوده‌اند ولی بغیر از این دو مرکز دیگر نیز بود که در اینجا بیشتر مورد توجه می‌باشد و میتوان آنرا از مراکز مهم و بلکه بزرگترین مراکز خزف سازی دوره سلجوقی دانست، مقصود از این مرکز بزرگ و عظیم شهر ری می‌باشد که در جنوب تهران حالیه واقع بود این شهر تا نیمه قرن هفتم هجری (نیمه اول قرن سیزدهم میلادی) مرکز یکی از صنایع مهم و بار رونق شده و بزرگترین اماکنی بوده است که انواع بسیار زیبا و دقیق و قابل ملاحظه از خزف و سوفال را که موجب شهرت ایران در این صنعت شد بوجود آورد و این کشور را در صنعت خزف و سوفال سازی از چین مشهور تر ساخت.

ظروف خزفی و سوفالی که در شهر ری ساخته میشد در انواع اشکال و زیبایی

و تناسب اجزاء و رنگ و نگار و تزیینات ممتاز و مشهور بوده است، اما با وجود این در ظروف لعاب صدفی داررقیب بزرگتری داشته چه برای ساختن اینگونه ظروف در اوائل دوره قاطمی کتور مصر رتبه مقدم را جایز است، اما از قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) این تقدم و ریاست و مرکزیت بشهر ری منتقل شده است.

صنعتگران این شهر از اوائل قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) به نعت خود تجدد و تطوری داده و از آنوقت دیگر مصنوعات آنها منحصر بآن نوع از سوفال که معروف به «گبری» است نشده است و باید دانست سوفال گبری بیشتر راجع بقرنهای چهارم و پنجم و ششم هجری (از قرن دهم تا سیزدهم میلادی) است و یکی از بهترین و عالی ترین سوفالهاست و از صنایع بومی و قدیمی ایران میباشد و امتیازی که در سوفال گبری است این است که نقوش آن در دیوار خارجی ظروف کنده شده و زمینه آن را شاخه و برگ و گلهای زیبائی تشکیل میدهد و اشکال و رسوم و نقوش آن که از حیوانات و پرندگان تشکیل یافته و بر اثر حفر وضع مجسمی بخورد گرفته است آنرا خیلی شبیه به نقوش دوره ساسانی مینماید.

گفته شد که صنعت کاران شهر ری در صنعت خود تجدد و تطوری وارد ساخته اند از آنجمله در قرن ششم هجری (نیمه قرن دوازدهم میلادی) موفق بساختن سوفالهای مینائی گردیده اند این سوفالها غالباً از نوع ظروف است ولی بعضی اوقات بشکل لوحه هائی نیز ساخته شده و عموماً از لعاب سفید رنگی پوشیده شده است که بر روی آن نقوش و نگارهای رنگ برنگی از انسان و سوار و امراء و سلاطین که بر تخت خود نشسته اند و یا با صور حیوانات و پرندگانی آراسته شده و یا بر روی آن زمینه سفید مجالسی مأخوذاً از حکایات و افسانه های تاریخی ایران مانند سرگذشت بهرام گور و یا خسرو شیرین و از این قبیل نقوش دقیق و زیبا که خیلی شباهت بنقشهای کتب خطی دره سلجوقی دارد و بعضی از آنها مطلقاً بوده است رسم کرده اند و احتمال قوی

می‌رود که نقاشان کتب خطی در کشیدن این نقشها بر روی این ظرفهای سوفالی با صنعتگران سفال ساز شرکت کرده باشند ، اما قسمت عمده از این سوافلهادارای اشکال انسانی نبوده و فقط با گل و بوته زینت یافته است ، همچنین لعاب پاروکس بعضی از آنها آبی و یا سبزرنگ است .

نوع دیگری نیز از این سوافلهها بوده که نقوش برجسته‌ای داشته است ، و چون در اینجا مجالی برای شرح نیست در فصلی که برای بحث در اطراف صنایع سوفالی و خزفی ابرای مینویسیم در اینخصوص مفصلاً بحث خواهیم نمود .

در دوره سلجوقی صنعت قالی بافی که پیش از آن در میان قبائل صحرا کرد و چادر نشین متداول بود نیز رونقی بخود گرفته و در اوج یافته است ، اما عوچب بسی ناسف است که امروز در ایران نمونه‌ای از آثار صنعتی قالی بافی آن روز در دست نیست و کلیه آنچه از آثار آن دوره باقی مانده پیش از چند قطعه قالی که منسوب به آسیای صغیر است چیزی باقی نمانده است ، این قطعه‌ها در شهر قونیه در مسجد علاءالدین بود و امروز در موزه اسلامی استانبول میباشد ، رنگ آدیزی این قابلهها از درجات مختلف قرمز و آبی است و زمینه آنها با اشکال و نقوش هندسی مگر و ویار سوم و اشکال کثیر اضلاع‌های کوچک زیادی تشکیل یافته ، و چهار حاشیه گردا گرد زمینه را فرا گرفته که از حروف کوفی غیر معرّوف تشکیل یافته است ،

دوره سلجوقی تنها عصر طلایی و درخشان فنون و صنایع بشمار نمی‌رود ، بلکه در آن دوره ذوق و قریحه ایران اسلامی و مدنیّت و استعداد ترقی آن در میدانهای مختلف بظهور آمده و بنای تجلی و نور افشانی گذارده است ، مخصوصاً در دوره ملکشاه و خواجه نظام‌الملک و زیرو نویسنده کتاب (سیاست‌نامه) و مؤسس مدرسه بغداد این ذوق و قریحه بیشتر تجلی کرد و نظام لملک کسی است که به بزرگان و دانشمندان عصر خود از قبیل غزالی و عمر خیام توجه زیادی داشته و آنها را مورد

توجه خاص خود قرار داده است (۱)

در این دوره سلاجقه آسیای صغیر توانسته اند اقدام بسیار مهمی کنند و بیک عمل بی مانند دست یازند و توانسته اند بنفوذ مدنی بیزانت که در آن قطعه حکمفرما بود و قرنهای آنجا را تحت نفوذ خود در آورده بود خاتمه داده و آن کشور را جزء مناطق نفوذ فنی و صنعتی و مدنی ایران در آوردند و از آن وقت تمدن ایرانی و روش های فنی این کشور در آسیای صغیر و در دربار سلجوقیان یعنی در شهر قونیه سیادت خود را برقرار کرده ، و تأثیر این مدنیت در سراسر دوره سلجوقی و بعد از آنها در دوره عثمانی در روشهای فنی و معماری و صنایع زیبا که ترکیه بوجود آورد نمایان شده است .

روش ایران در دوره مغول

مغول از قبایل صحراگرد تاتارهای فلات کوبی بوده اند که توانسته اند زمام حکومت کشور پهناور چین را بدست آورند ، پس از ظهور چنگیز این قبایل سرداری او شروع بفتوحات کرده اند و کشور های شرقی را یکی پس از دیگری بتصرف در آورده و بالاخره توانسته اند بیک امپراطوری آسیائی عظیمی را تشکیل دهند و پس از آن بنقطه اروپا نیز دست اندازی کرده و تا مدتی بر قسمتی از آن قطعه حکومت نمایند .

مغول در سال ۶۱۸ هـ بماوراء النهر و مشرق ایران حمله برد و شهرهای بسیاری را سپاه آنها در حین عبور خود خراب و ویران نموده است (۲)

(۱) در دائرة المعارف اسلامی مادة (نظام الملک) مراجعه شود

(۲) H. H. D'Ohsson' Histoire, des, Mongols, Browne: Literary, History, of, Persia و ; Howoth': History, of the, Mongols

در سال ۶۵۶ هـ (۱۲۵۸ میلادی) هولاکو خان نواده چنگیز خانب توالتیه است بغداد را فتح نماید و المیتعصم بالله آخرین یخلفه عباسی را بقتل برساند و با کشتن ابن خلیفه ، خلافت عباسی را برای همیشه در عراق و بین النهرین منقرض نماید و دستگاه این خلافت را که پیش از مغول سلاجقه اقتدار و نفوذ دینی را از دست آن گرفته بودند برچینند ، باید دانست در آن وقت که مغولها در نیمه اول قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم میلادی) سلسله خوارزمشاهی را بر انداختند هنوز نسبت بتمدن ایران بیگانه بودند و نه تنها اطلاعی از آن نداشتند بلکه هیچ بهره‌ای از تمدن و علم نبرده بودند ، اما چندان طولی نکشید که از طرف شرق تمدن و تربیت چینی و از طرف غرب مدنیت و تربیت ایرانی در آنها تأثیر کرد و از آن وقت بیعد بعلم و ادب و فنون و صنایع توجه نموده به حمایت آن پرداختند ، در این وقت هولاکو فاتح بغداد سلسله ای که همان سلسله ایلخانی ایران باشد در این کشور تأسیس نمود و تا سال ۷۳۶ هـ (۱۳۳۶ م) دوام کرد این سلسله در تحت نفوذ مدنیت و تربیت ایران واقع شده و این مدنیت اخلاق آنها را تهذیب کرد و بالاخره وارد اسلام نموده است ولی با وجود این سلسله ایلخانی ایران رابطه و علاقه خود را با خویشان و خاندان خود که مغول های خاور دور باشند نبریده اند و شاید همین رابطه بوده است که دوره آنها را از حیث صنایع و فنون امتیاز دیگری داده و موجب شده است روش های فنی و صنعتی چین در روشهای فنی و صنعتی ایران تأثیر نماید ،

اما جانشینان هولاکو در ایران در اول امر بمضرات حکومت ملوک الطوائفی (۱) و خطراتی که برای دولت آنها در بردارد پی نبردند و بهمین جهت خیلی زود دولت آنها رو بتجزی رفت و پس از سقوط و انقراض این سلسله ایران به حکومتهای محلی کوچکی تجزیه شد که از جمله آل مظفر در فارس و کرمان

(۱) بهری این حکومت را (اطعانی) نامند و مطابق کلمه (شودالیه) است

و آل کرت در هرات، و جلایریها در عراق و دولت های چند دیگری بودند، این حکومتها و کشور های کوچک تا اواخر قرن هشتم برقرار بودند و بالاخره تیمورلنک پس از آنکه بر ماوراء النهر مستولی شد اینها را از میان برداشت و باز بر اثر يك سلسله فتوحات (۱) که نموده ایران و قسمتی از جنوب روسیه و هند را فتح کرده و در سال ۸۰۴ هـ (۱۴۰۲ میلادی) سپاه بایزید سلطان ترکان عثمانی را در نزدیکی شهر آنقره منهزم نموده است.

پس از آنکه تیمور در سال ۸۰۷ هـ (۱۴۰۵ میلادی) در گذشت پسرش شاهرخ موفق شد که بر تخت شاهی ایران و ماوراء النهر نشسته و شهر هرات را برای پایتختی خود انتخاب نماید، بنابر این شهر نامبرده آباد شد و علوم و آداب و فنون در دوره او و جانشینانش ترقی و پیشرفت نمایانی کرد و حال بر این منوال بود تا آنکه در سال ۹۰۷ هـ (۱۵۰۲ میلادی) (۲) سلسله صفوی تأسیس یافت و با توجه آن دولت فنون و صنایع نظوری نمود و بر اثر آن يك سبك و روش نوینی در فن ایرانی بوجود آمد.

بهر حال نمیتوان گفت مغولها در فتوحات خود شهر های زیادی را ویران نکرده اند اما میگوئیم سکنه و مردم این شهر از برابر سپاه مغول به مصر و سایر کشورهای اسلامی فرار کرده اند، و در میان این فراریها عده زیادی از صنعتگران و ارباب فنون بوده است، بهر حال که این پیش آمدها موقتی بود، زیرا هولاکو و جانشینان او در رعایت و احترام و تشویق مردم صنعتگر و ارباب صنایع کوتاهی نمیکردند و آنها را مشمول عنایت خود میساختند، و حتی در آن هنگام که بخراب کردن شهری میپرداختند مواظب بودند که اینگونه مردم را از قتل و هلاک نجات دهند و در

(۱) حملات تیمور، ایران را تاریخ نام (یورش) برای ما ضبط کرده است

(۲) معروف این است که ظهور شاه اسمعیل اول و پیام او در سال ۹۰۵ روی داده

حقیقت میتوان گفت که مغولها و ایلخانان ایران بهره بزرگی در خدمت به پیشرفت صنایع و فنون داشته‌اند. (۱)

اما حملات تیمور موجب خرابی بیشتر شد و سپاه او بهر کجا قدم گذارد آنجا را ویران نمود و ستمکاری و سنگ‌دلی او ضرب‌المثل بود مخصوصاً در ایران و هندوستان و آسیای صغیر کشتارهای زیادی کرد و انفاقاً تمام قربانیهای او مانند خودش مسلمان بودند، و اگر شهرهای دهلی و دمشق و شیراز و بغداد را خراب کرده برای این بود که پایتخت خود شهر سمرقند را آباد سازد تا در فنون و صنایع و مدنیت عرب و شرق گردد، و بهمین جهت برای ساختن کاخها و عمارات خود بر تمام معماران کشور و نواحی مختلفه قلمرو نفوذ خود فرض و واجب نمود که در ساختمان‌ها شرکت کنند، بهمین جهت آنها را از هر ناحیه و شهر و کشوری میطلبید و آنها نیز اجرای نقشه او را تعهد میکردند و قبول این مسئولیت را مینمودند و انجام آنرا بگردن میگرفتند، این ترتیب کار تقریباً شبیه بقانون لیتورژیا (۲) یا کار برای ملت بود که در نزد یونانیان قدیم متداول بود و این عمل را یونانیان در موقعی انجام میدادند که بعضی از بزرگان و ثروتمندان آنها مدتی معین عهده‌دار انجام کار و یا متحمل هزینه آن میشدند در این موقع افراد ملت برای شرکت در امور اجتماعی حاضر از برای خدمت در آن کار میشدند.

حقیقت این است که در خرابکاری‌هایی که به مغول نسبت داده شده و نتایجی که از آن حاصل گردیده تا حدی مبالغه شده است، آری راست است که صنعت معماری کاسد و راکد ماند و ساختمانهای زیادی ویران شد و همانطور که گفتیم عده زیادی از صنعتگران و ارباب فنون آسیای صغیر و مصر مهاجرت کردند و این موضوع را اتقی‌الدین مقریزی مورخ مشهور مصری تذکر داده میگوید: « و چون بر اثر حملات و مهاجمات

(۱) شاید منظور مؤلف از خرابی شهرها در دوره حملات چنگیز باشد نه هولاکو (۲) Liturgia

سپاه مغول و تاتار که از دوره چنگیز خان از سالهای ۶۱۷ شروع شده و تا صفرتال ۶۵۶ که مستعصم خلیفه در بغداد کشته شد ادامه یافت مهاجرت مردم مشرق بمصر زیاد شد و حو طرف (الخلیج الکبیر) و اطراف برکه الفیل آباد گردید و عمارت حسینیة خیطی بزرگ و با اهمیت گردید (۱)

اما آنچه را مغولها و بعد از آنها تیمور و جانشینانش در راه ترقی و فنون و صنایع و تشویق و ترغیب صاحبان آنها نموده اند بما اجازه میدهد از آن خرابیها و سختیها و ستمکاریها که در جنگها و حملات اولیه خود نموده اند چشم پوشی کنیم. یکی از ممیزات روش ایرانی مغولی این است که مملو از روشهای فنی چینی است که در آن وقت ایران را فرا گرفته بود و مخصوصاً در دوره خلفای فاطمی مصر با آنجا نیز سرایت کرده بود (۲) علاوه بر این در تمام کشورها و مناطق مجاور ایران را فرا گرفته بود.

در این دوره ساختمانها و مخصوصاً قبور و مزارهایی که برج مانند ساخته میشد بهمان حال که در دوره سلاجقه بود باقی ماند و این امر از قبری که برای یکی از دختران هولاکو در شهر مراغه ساخته شده بخوبی آشکار و نمایان است. این مقبره عبارت از برجی است که با کاشیهای معرق لعاب دار مزین شده و در بالای آن هرمی با قاعده هشت گوش قرار گرفته است. ولی در این دوره مقابر گنبد دار نیز معمول شده و بر عظمت و ضخامت مساحت و ارتفاع اینگونه بناها افزوده شد و در ساختمان آنها طاقها بکار رفته است و بهترین

(۱) خطاط، قریزی ج ۱ ص ۳۶۴-۳۶۵

(۲) کتاب (کنوز الفاطمیین) نگارش مؤلف همین کتاب (ص ۶۵-۱۱۷۲)

بمبختی که راجع بتأثیر چین در فنون و صنایع اسلامی نوشته و بمصادر و مراجعی که بانها اشاره شده است رجوع نمود و حواشی اسناد Wiet که بر کتاب الہلدان یعقوبی و مخصوصاً بصفحه ۱۳۹ آن رجوع نمود

نمونه این معماری و ساختمانها مقبره سلطان الجایتو (خدا بنده) است که در شهر سلطانیه میباشد.

در طرز انبیه و ساختمانها مهندسیین و معماران بااهمیت بلندی گنبد
بوسیله ستوبهایی که در اطراف پایه گنبد مانند متارهای کشیده ساخته اند پی برده
و آن سبک را نکار زده اند. (۱)

اما مشهورترین و بهترین مقابر یکی منسوب بروش ایرانی مغولی است
در گورستان شهر سمرقند است که عده زیادی ارفاد خاندان تیموری در آن مدفون
هستند و بهترین و کاملترین تمام این مقابر بطور کل مقبره خود تیمور لنگ با
گور امیر است که در سال ۸۰۸ هـ (۱۴۰۵ میلادی) ساخته شده، این مقبره عبارت است از
یک قاعده صلیبی شکل که بر سطح هشت گوش قرار گرفته و بر روی آن یک ستونه ای
است که بر آن یک گنبد ترك ترك ساخته شده است و استوانه با حواش
از آجرهای مینائی که دارای خط کوفی است خزین میباشد و این آجرها که استوانه
را می پوشاند مانند همین آجرهایی است که گنبد با آنها پوشیده شده است. منظره
داخلی و خارجی این مقبره با روایا و مقرنهایی که دارد پیشنهاد باکثرت و ملاحظه
با اعجابی ایجاد میکند و بدین معنی مزیت باشد که این بنای یکی از بهترین ساختمانهای
اسلامی نموده باشد (شکل ۱۴ جوع شود)

در این دو بهر لطافت و زیبایی و تناسب ساختمان مساجد فروده شد در آن
اعتبار از مشاهده مسجد ورامین و مسجد گوهر شاد مشهود بخوبی ثابت میگردد،
و مخصوصاً مسجد گوهر شاد که از لحاظ تناسب اجزاء مختلف آن بر سایر امین
امتیاز دارد، از جمله چیزهایی که در دوره تیموریان شیوع یافت ساختمان
مساجدی با گنبد بزرگ است این گنبد بدخلی با عظمت و اهمیت وصل

بوده که هرپیننده را متوجه میساخته است و یکی از بهترین ساختمان هائی که راجع بقرن نهم هجری (یانزدهم میلادی) است مسجد کبود است که در نیمه این قرن در شهر تبریز ساخته شده است ، در وسط این مسجد شبستان های بزرگی بود که بر روی گنبد قرار گرفته بود و در اطراف آن شبستان های دیگری نیز بوده و در یک طرف آن مقبره ای وجود داشته است این مسجد با معرقهای خرفی که در منتهای زیبائی و ظریف داری بود زینت می یافت و در این معرقها رنگهای آبی باز و آبی پررنگ و خاکستری و سبز چمنی و پررنگ بکار رفته بود و بعضی گل و بوته و شاخه هائی که طلاکاری بود در آن نیز دیده میشود .

مدارس نیز در دوره تیموری دارای اهمیت زیادی شده است ولی در طرز و سبک ساختمان آنها مهمی زیادی دیده نمیشود ، و از بهترین نمونه های این طرز مدارس که در این دوره ساخته شده است و هنوز باقی و برپا است مدرسه خرگرداست که در نزدیکی سرحد افغانستان میباشد ، این مدرسه در سال ۸۴۹ هـ (۱۴۴۵ میلادی) بادت مهندسین و معمار هائی شیرازی ساخته شده ، و از يك صحن چهار گوش که در اطراف چهار ایوان دوپوش باطاق های منحنی شکل که به سبک ایرانی است تشکیل مییابد .

آنچه در این مدارس قابل دقت و ملاحظه است وجود مناره های اسطوانه ای شکل مرتفعی است که در دو طرف مدخل مستطیل و یا مربع شکل مسجد قرار گرفته اند و بر فراز این مدخل يك طاق ایرانی بزرگی نیز مشاهده میشود .

در ساختمان های ایرانی مغولی معمارها برای تزین بنا کچ بری را مخصوصاً در ساختمان محرابها زیاد بکار برده اند ، ولی آنچه حقیقه در این سبک ساختمانی تجدد و تطویرش ارمیرود عبارت از استعمال انواع مختلف کاشی و آجرهای لعاب صدفی دار میباشد و میتوان گفت که صنعتگران و اساتید فن در این دوره توانسته اند فن

نقش و نگار بر روی کاشی و آجر و معرق را بمنتها درجه کمال و اتقان برسانند، و درجه کمال آن را باید در دوره تیموری دانست و مسجد کبود تبریز که بآن دوره منسوب است بهترین نمونه این تفوق است در اینجا باید گفت وجه تسمیه مسجد نام بردن باین نام بمناسبت کاشیهای است که دیوار های آنرا میپوشاند.

و اگر این مسجد را نمونه کامل صنعت در دوره تیموری بگیریم گزاف نگفته ایم زیرا معرقهاییکه برای زینت این مسجد بکار رفته مینماید که با کمال دقت و مهارت و استادی بکار گذاشته شده و نقاشی و رنگ و نگار آنها تقریباً همان دقتی را دارد که صنعتگران درترین و تذهیب صفحه های کتابها بکار می بردند گذشته از این استعمال این معرقهای لعاب دار با آن رنگهای متعدد بما می نمایاند که در آن روز مردم در ماوراء النهر تا چه اندازه شیفته رنگ آمیزی بوده اند و برای بافتن قالبها تا چه حد رنگهای متعدد بکار برده اند.

در این دوره معماران و مهندسیں برای زیبایی ساختمانها و زینت دادن آن بمقرنس کاری پرداخته و همان رویه ابرا که همکار هاشان در سبك و روش غربی یا اندلسی اتخاذ نموده بودند بکار برده اند، در اندلس بهترین نمونه مقرنس کاری همانست که در قصر الحمراء بکار رفته است ولی مهندسیں و معماران و ارباب فن در اندلس در این صنعت و مخصوصاً در الحمراء بجدی اسراف کرده اند که تقریباً میرفته است بنارا از حال طبیعی و اعتدال فنی خارج نموده و موجب ملال بیننده گردد، اما در ایران کار برخلاف آن بود و ایرانیان مقرنسها را بطوری در ساختمان های خود بکار برده اند که بدون آنکه زیاده روی در آن شده باشد و عمارتها را از تناسب و ابهت اندازد موجب زینت آنها شده است.

گذشته از این ارباب فن ایران در دوره مغول در زینت دادن ساختمان ها با کاشی های ستاره ای شکل مهارت عظیمی داشتند و در فواصل آنها لوحه های

صلیبی شکلی بکار میبردند، از امتیازات دیگر این دوره اینست که توانسته اند بحراب های ممتازی از کاشی مینائی بسازند (بدو شکل ۳۱ و ۳۲ رجوع شود) ، ظاهراً مرکز صنعت این کاشیها در آن دوره از کاشان بوزمین منتقل شده بود، ولی در دوره تیموریان استعمال کاشیهای مینا کاری از میان رفته است و بجای آن دیوارها را با آجر هائیکه دارای رنگهای گوناگون بود زینت داده اند.

در این دوره دیده میشود که تأثیر روش خاور دور (چین) در مواد و عناصر که در سبک در روش ایرانی مغولی بکار رفته کاملاً آشکار و نمایان است، و در پیشت این نقش و نگارها حیوانات خرافی و اشکال اشخاص که دارای سیمای چینی میباشند خیلی دیده میشود و همین امر دال بر نفوذ و تأثیر روش چینی در روش ایرانی مغولی است.

اما بغداد در این دوره در نوشتن قرآن با خط زیبا و مذهب کاری آنها دارای اهمیت بوده و مقام خود را در فن پیش ترقی داده است، و خط نویسان در ترقی دادن خط نسخ و استعمال آن موفقیت شایانی ا حائز شده اند، بن نویسندگان کرانه های حروف را مذهب کرده و زمینها را شاخه و برکها را گله های زیبایی زینت داده اند، ولی از اواخر قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) ریاست و مرکزیت این فن بدو شهر تبریز و سمرقند انتقال یافته است.

میتوان گفت فن نویسندگی و کتابت در دوره مغول رونق و پیشرفت مهمی بخود دید و در جاهای دیگر این کتاب باین موضوع خواهیم پرداخت و مفصلاً بیان خواهیم نمود، در اینجا کافی است تذکر دهیم که در این دوره نقاشان نیز گاهی در کشیدن اشکال در روی کاشی و سوزنک و تزیین آنها شرکت میکردند.

رو بهر فتق میتران گفت در ابتدای دوره مغولی روشهای فنی چین شیوع داشت ولی طولی نکشید که ایرانیان آنها را در فنون خود وارد کرده و در آنها مطابق ذوق

وسلیقه خود تغییراتی داده و بشکلی در آورده تا با ذوق و روحیه ایران مسلمان موافق شده است. خوشبختانه هنوز از این دوره نسخه های خطی زیادی موجود است که تأثیر و نفوذ رومهای فنی چینی از آنها بخوبی نمایان است و در بعضی از این نسخ دیده میشود که هنوز اصول فنی موروث از مکتب سلجوقی در آنها آشکار است و شاید بهترین نمونه این نسخه های خطی نسخه جامع التورینخ رشیدالدین باشد که خط آن راجع بسال ۷۱۴ هـ (۱۳۱۴ میلادی) است. از این کتاب فعلا دو جزء وجود دارد که یک جزء آن در کتابخانه انجمن پادشاهی آسیائی و جزء دیگرش در کتابخانه دانشگاه ادنبرگ میباشد.

از جمله چیزهایی که در دوره ایرانی مغولی اهمیت داشته فن کتابت و توجه بحسن خط است و در باب فن در این راه متحمل زحماتی شده اند و نتیجه آن زحمات بوجود آمدن خط (نستعلیق) است که مبتدع آن میرعلی است. و این خط توسط سلطانعلی مشهدی که ملقب به (سلطان الخطاطین) است و در سال ۹۱۹ هـ (۱۵۱۳ میلادی) وفات نموده بعد کمال وزیباتی خود رسیده است (۱)

از قالیه های این دوره نمونه هایی که دال بر پیشرفت و ترقی این صنعت باشد در دست نیست ولی زمینه آن خالی هم نمیباشد زیرا نواعی از قالیه ها بافت قفقاز موجود میباشد و میرساند که در آن دوره این ناحیه اقسام قالیه را می بافت و بوجود می آورد. قوام نقشه و تزئین این قالیه ها شکلی از حیوانات خرافی و حقیقی بوده که از یک روش سبک و اصطلاحی گرفته و کشیده میشود. است ولی در همین اوقات بود که در سایر شهرستانها و نواحی ایران شروع بمافتن قالیه های ترنج دار شد این تصور جدید

(۱) Huart: Calligraphes, et, Miniaturistes ص ۳۲۱ و ۳۲۲ و نقاب آلود پتر

خط و خطاطان: تألیف سید محمد علی میرزا عبدالحکیم آبراهیم ص ۱۵۰ - ۱۲۰ چاپ مصر سال ۱۳۴۰ هـ (ربیع ثانی)

که در صنعت قالی حادث شده در قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) باوج عظمت خود رسید و در این دوره است که عصر طلائی این صنعت تکوین میشود .

گرچه ابریشم خیلی پیش از این دوره در ایران بوده و ایرانیان پارچه از آن تهیه مینموده اند ولی خیلی طبیعی بود و انتظار میرفت که در دوره مغولی که دوره تأثیر صنایع چین در ایران است صنعت ابریشم و حریر باقی چین نیز در ایران رواج و انتشار یابد و اتفاقاً همینطور هم بود و ایرانیان در این دوره خیلی بیشتر از ابق در صدد تقلید و اقتباس از رنگ و نگار و طراحی بافته های ابریشمی چینی برآمده اند ، و انواع زیادی از بافته های ابریشمی و دبیا بوجود آورده و جزو سایر کالا های خود بکشور های بیگانه فرستاده اند ، این نوع پارچه ها که در ایران بافته میشد خیلی عالی ، ممتاز بود و بعضی از نمونه های آنرا در بعضی از قبرستان های شهر (ورونا Verona) که از شهر های ایتالیا است بدست آورده اند این نوع پارچه ها را با حیوانات خرافی و گلهای چینی و خطوط عربی زینت میداده اند .

باید دانست که روش و سبک دوره ایرانی مغولی در صنعت فلزکاری پیشرفتی کرده و در این راه ابداعی ظاهر نساخته است و چون در صنایع فلزی این دوره دقتی شود صدیق میکنیم آن دقت و ظریف کاری که در دوره سلجوقی در این صنعت بوده آن استادی را که از باب فن و صنعت در طلا یا نقره کوبی برونز و مس داشته اند در این عهد دیده نمیشود و تقریباً مشرف بزوال شده است و فقط آثاری از آن در ساختن مشیر و خنجر و کلاه خود باقی مانده است ، اما چیزیکه در صنعت فلز کاری این عهد ظهور کرد ساختن کلاه خود های نقوسی شکل است که روی عمامه پوشیده شده و این کلاه خود ها دارای قسمتی بود که برای محافظت صورت بکار میرفت و در آن سوراخ برای چشمها مینساختند ، اما شمیرهایی که در این دوره بکار میرفته تیغه ها مستقیم و پهن بوده و بر روی تیغه آن با طلا اشکالی که جنک ازدها و عنقا را

نبایش میداد می کشیدند ، رویهمرفته از ابنیه و آثار نفیسه دوره مغول و تیمور و جانشینان او امتیاز و برتری ایران در فنون اسلامی آشکار است و در این آثار مشاهده میشود که ایران موفقیت شایانی در حفظ قسمت مهمی از روشهای فنی قدیم خود داشته و میل و استعداد زیادی بکشیدن صورت حیوانات چنانداروزینت دادن صنایع خود با اقسام نباتات و گل های زیبا از خود بروز داده است .

خلاصه آنکه دوره مغول در ایران و مخصوصاً دوره تیمور و جانشینان او بیک دوره نهضت مهمی در فنون و صنایع و آداب میباشد و شاید بتوان گفت که این دوره از جنبه فنی و صنعتی از مهمترین ادوار ایران بشمار میرود .

روشن صفوی

شاه اسماعیل موفق شد که در سال ۹۰۷ هـ (۱۵۰۲ میلادی) تاج و تخت ایران را بدست آورده و سلسله صفوی را تأسیس نماید این سلسله منسوب به عارف مشهور شیخ صفی الدین اردبیلی است که یکی از اولیاء آن شهر بوده است، این سلسله نخستین سلسله ای است که مذهب تشیع را در ایران رسمی نموده و از عهد این سلسله است که مذهب تشیع مذهب رسمی کشور ایران شده است، و بدیهی بود ترکهای عثمانی که در آن وقت جنگجو ترین نژاد ترک و اهل ارمنیت بودند این حکومت و کشور شیعی را آرام و بحال خود نمیگذارند، بنابراین جنگهای زیادی میان عثمانیها و ایرانیان واقع شده است، که منتهی با استیلای ترکها بر قسمتی از املاک قسمت غربی کشور صفویه گردیده است، بنا بر این ایرانیان قانع شده اند که در داخل حدود طبیعی خود بسر برند و متوجه رسوم و عادات باستانی خود شوند و از این راه در ایران يك نهضت حقیقی که ایران را در میدان مدنیت و علم و ادب مخصوصاً در دوره شاه عباس کبیر به منتها درجه ترقی و وج عظمت رسانده است ایجاد نمایند (۱)

روش و سبک فنی و صنعتی که در دور سلسله صفوی در ایران بوجود آمده و بر اثر توجه این سلسله رونق سزائی یافته است بر سایر روشهای ماقبل خود و مخصوصاً روش مغولی ایرانی امتیاز بزرگی دارد زیرا در این دوره ذوق و قریحه ایرانی روشها و سبکهای را که ایران در دوره مغول و تیموری از خاور دور (چین) اقتباس کرده بود تحلیل برده بنا بر این تفاوتی بین روش ایرانی عصر صفوی و روشهای چینی که سرچشمه

(۱) مؤلف در این کتاب خلاصه ای از کلیه جنگهای صفویه و عثمانیها را از بندو تا پیش تا آخر آن دور بد کرده است و البته هر کس تفصیل این جنگها را خواهد دید بکتابهای تاریخی و بیل روضة الصفا و عالم آرای عباسی و غیره مراجعه کند تا در این خصوص بطور آن چنانکه و بوضوح جای ایرانیان و عثمانیها را مشاهده نماید.

آن محسوب میشود حاصل شده است علاوه بر این يك امتیاز دیگری در این دوره مشاهده میشود و آن میل زیادی است که ایرانی به افسانه‌های پهلوانان باستان ایران از خود نشان داده و همین میل و اشتیاق و اقبال است که در فنون و صنایع تجلی کرده و آن افسانه‌ها را بصورت نقش و مجسم نمودن مجالس رزم و بزم آن پهلوانان در آورده و در کتابهای خطی و آثار و تحف و صنایع آن دوره آورده است .

گذشته از این ارباب هنر و صنعت در این دوره توجهی به تحقیق و تأمل در مظاهر طبیعت و شیون زندگی روزانه بشر نموده‌اند و این ذوق را در اشکال و نقوشی که در مصنوعات خود بکار برده‌اند ظامر ساخته‌اند .

در این دوره مراکز و کانونهای فنی و صنعتی در ایران زیاد شد ، در ابتدای تأسیس این سلسله تبریز پایتخت بود بهمین جهت مرکزی بود که خطاطان و مذهب کاران و نقاشان و صحافان در آن از خود فعالیت برور دادند و این فنون را پیشرفت بیشتری بخشیدند و بدیهی بود که فعالیت فنی آنها در این زمینه موجب پیشرفتهائی در فنون و صنایع دیگر میگردد بنابراین در معرق کاری و رنگ آمیزی کاشیهای که در دیوار و کتیبه‌های ائمه را زینت میداد تاثیر خوبی نمود و آثار آن در نقش و نگارهای منسوجات و پارچه‌های مختلفی که در ایران بافته میشود نیز ظامر گردید پس از آن شاه عباس در اواخر قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) شهر اصفهان را پایتخت خود قرارداد و در زینت و آرایش و آبادی پایتخت جدید کوشید و در آن مساجد و کاخهای ساخت و راههای شوسه احداث نمود و شهر اصفهان یکی از آبادترین و زیباترین شهرهای خاور گردید و در قرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) يك مرکز بزرگی برای صنایع ایران شد و محوری بود که حیات فنی ایران بدور آن میگردد ، و اسلوب و روش رضا عباسی در آن رواج بی مانندی یافت و ما در جاهای دیگر این کتاب مفصلا از این روش بحث خواهیم نمود .

برای پی بردن بحقیقت این روش که موسوم بصفوی شده و اطلاع بر جزئیات آن لازم است دو امر را در نظر داشته باشیم : اول پیدایش روابط بین ایران و دول غرب و اتصال امراء خاندان صفوی با خاندانهای سلطنتی اروپا ، دوم برقرار ماندن روابط و پیوندهای فنی است که از قدیم میان ایران و خاور دور (چین) موجود بود .

پس از شاه عباس جانشینان او بخوش گذرانی پرداخته و دولت صفوی را بسوی ضعف و انحطاط برده اند و حکومت عثمانی که همیشه پی فرصت میگشت توانسته است عراق یا بین النهرین (۱) را که تا سال ۱۰۴۸ هـ (۱۶۳۸ میلادی) از املاک و متصرفات صفویه بود از آنها منتزع نماید .

صفویه در ایشمدت که عراق را متصرف بودند در آن آثار و اشیاء مهمی از خود بیادگار گذارده اند و از همه معروفتر و مشهورتر بارگاہ و قبور بسیار عالی است که برای بزرگان رجال شیعه ساخته اند . (۲)

در این دوره که سلسله صفوی رو بضعف گذارده توجه امراء و پادشاهان آن نسبت بقنون و صنایع و رجال هنرمند کم شده است ، بنابراین مصنوعات ایران نیز بسوی پستی رفته ولی نانچ و فراورده صنعتی بیشتر شده و بر صادرات افزوده گردیده است ولی باید گفت که این صادرات صنعتی خیلی بازاری و باب مردم عادی و مخصوصاً اروپائیان بود زیرا اینها صنعت شرقی را همینقدر که در نظر آنها عجیب و خارج ا عادت مألوف باشد پسندیده و بآن قانع میشدند ک خریدار آن صنایع بودند .

(۱) بین النهرین تا دوره سلطنت شاه صفی جانشین شاه عباس اول در تصرف ایران بوده و سلطان مراد چهارم در زمان سلطنت شاه صفی بغداد و سایر نواحی عراق را تصرف آورد و اروان ، ایران و اگذار شد (۲) مقصود مؤلف از قبوری که صفویه ساخته اند صحن و درگجهای ائمه اطهار است .

یکی از علل تاحه ایران افغانها بودند ولی ضعف و انحطاط صفویه بحدی رسیده بود که در زمان شاه سلطان حسین اینها بر دولت شوریده و سپاه پادشاه صفوی را شکست دادند و در سال ۱۱۳۵ هـ (۱۷۲۲ میلادی) بر اصفهان مسلط شدند اگر چه پس از این واقعه تا مدت ده سال بعضی از امراء و شاهزادگان صفوی در مازندران و سواحل جنوبی بحر خزر حکومتی داشتند ولی عموماً این حادثه مشعر بر سقوط و انقراض سلسله صفویه بود (۱).

یکی از بهترین ابنیه که مطابق سبک و روش صفوی ساخته شده مقبره و مسجد شیخ صفی الدین در اردبیل است ساختمان این بنا در اواخر قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) شروع شده و در اواسط قرن یازدهم به پایان رسیده است این مقبره دارای سردر و مدخل باشکوهی است که بیاضچه مستطیلی منتهی میگردد و این بیاضچه با ابنیه ای که در اطراف فضای داخلی ساخته شده متصل میشود و مسجدی قدیمی در سمت چپ این فضا یا حیاط واقع شده که دارای شکل هشت گوش شکست آوری است و سقف آن روی شانزده ستون از چوب گذارده شده و دارای پنجره های نعلی شکلی است این مسجد محراب ندارد و قبله در اتجاه مدخل آن واقع میشود و در سمت راست حیاط یا فضای داخلی مقبره شیخ صفی الدین ساخته شده و در حنب آن شبستانی از آجر قرار گرفته و در سمت چپ مقبره طاق بزرگی است که عقرنس کاری است در شبستان پنجره های زیادی ساخته شده که بالا و پائین آنها را کاشی معرق زینت میدهد.

(۱) منظور مؤلف از این امراء و شاهزادگان شایسته طهماسب پسر شاه سلطان حسین است که در هنگام محاصره اصفهان قزوین رفته و پس از سقوط اصفهان و واگذار شدن تاج و تخت از طرف شاه سلطان حسین موجود آن زمان در آن شهر و مازندران و استرآباد آنروز بسر رده و بعد از ترخیصات در دوباره اصفهان وارد شده و مدتی پادشاهی کرده است.

یکی دیگر از ابنیه بسیار زیبا و عالی دوره صفوی مسجد شاه اصفهان است. با اینکه سه ایوان این مسجد متصل بهم نیست و از این حیث این بنا قسمتی از ارتباط و پیوستگی ساختمانی را از دست میدهد باز دارای عظمت و ابهت مخصوصی است و کلیه میتوان این عظمت را در امتداد وضخامت بنا و زیبایی نقشه و معماری آن دانست. بهترین و زیباترین مدارس این دوره مدرسه مادر شاه اصفهان است که از ابنیه قرن دوازدهم هجری (در حدود سال ۱۷۰۰ م) است این مدرسه که دو پوش ساخته شده یکی از ابنیه ممتاز و بلکه از بهترین ابنیه دوره صفوی است و امتیاز آنرا میتوان در ایوانهای باشکوه و شبستانی که در ایوان قبله واقع شده و دارای کنبه بزرگی است دانست (بشکل شماره ۲۶ رجوع شود)

در این دوره چنانکه سابقاً اشاره ای رفت بارگاههای بسیار عظیم و باشکوهی برای ائمه شیعه و رجال بزرگ آنها در عراق مخصوصاً در کربلا و سامره و نجف ساخته شده و این ابنیه با کتبدهای بزرگ پیازی شکل و مناره های اسطوانه ای شکل و مرتفع خود ممتاز شده اند.

کلیه ابنیه دینی در دوره صفوی با کاشیهای معرق که دارای رنگهای بسیار زیبا و گل و بونه و شاخه های نباتات زیبایی بود زینت می یافت، همین تزیینات باین ساختمانها جلوه خاصی که حاکی از ذوق و قریحه عالی ایرانی میباشد میداد، و مهارت و عشقی را که این ملت ب فنون و صنایع داشته اند و هنرمندی و آشنائی کامل آنها را در استعمال رنگهای متناسب که از ترکیب آنها سحر و جاذبه عجیبی ظاهر میشده است ثابت و مبرهن مینموده است.

ولی کلیه سبک و روش صفوی به ساختن کاخها و تأسیس شهرها و ایجاد راههای شوسه و خیابانهای عمومی توجه خاصی داشته و این امر از توجهی که شاه عباس کبیر و جانشینان او برای آبادی شهر اصفهان و زینت دادن آن با ابنیه و کاخهای بسیار زیبا

داشته‌اند بخوبی ثابت و آشکار میشود، این ابنیه که در اطراف میدان شاه برپا شده از بدایع فن و شاهکارهای معماری آن دوره است و علاوه بر اینها باغچه‌های زیبا و خیابانهای بلندی احداث کرده و دو طرف این خیابان‌ها را درختکاری و سطح آنها را سنگ ریزی نموده‌اند، همین ابنیه و میدان و باغچه و خیابان‌ها است که این شهر را در زیبایی و نظم و ترتیب بی‌مانند کرده بود و ژان چاردن Jean Chardin جهانگرد فرانسوی (۱۶۴۳-۱۷۱۳ م) را متعجب ساخت این جهانگرد در هنگامی وارد اصفهان شده که این شهر بختی درجه آبادی و زیبایی و عظمت خود رسیده و عصر طلایی خود را طی مینموده است بنابر این دور نیست که جهانگرد فرانسوی را شیفته جمال خود کند و او را وادار بتعریف و توصیف آن وضعیت که زاده قریحه و ذوق ایرانی است بنماید، ولی شاید نتوانسته باشد از عهده برآید و زاده آن ذوق و قریحه بی‌مانند را کاملاً مجسم کند و در حقیقت بهترین وسیله برای نمایش دادن آن مظاهر عالی و مجسم بودن آن همه احساسات جز بوسیله شعر ایرانی امکان ندارد و تنها قصائد و اشعار این ملت است که آئینه تمام‌نمای آن همه ذوق و قریحه فنی و صنعتی و هنرمندی است صفویه تنها بساختن کاخ‌هایی مانند چهل‌ستون و هشت بهشت و آئینه‌خانه اکتفا نکرده بلکه با احداث بازارها و سراها در شهرهای بزرگ و شاهراههای بازرگانی و کاروانرو نیز توجه خاصی مبذول داشته‌اند.

بطور عموم بیشتر ساختمان‌های دوره صفوی اعم از مسجد و مقبره و مدرسه و سرا و بازار و کاخ دارای يك سبك ورزش فنی خاصی است و از حیث تناسب اجزاء و زیبایی بنا و اثراتی که در آنها مشاهده میشود ممتاز میباشد.

دیوارهای ککاخ‌های صفوی از کاشی‌هایی خوش آب و رنگ پوشیده میشود و از مجموع آنها اشکالی تشکیل می‌یافت که رابطه زیادی با نقوش و اشکالی داشت که نقاشان معروف آن دوره میکشیدند، سقف‌ها و دیوارها غالباً بوسیله رنگ و

کاری تزیین میشد و رنگ و نگار هائی در آنها احداث میکردند ،
 در آن قسمت از کتاب که در خصوص خط و فن کتابت بحث میشود
 خواهیم دید که این فن در بدو دوره صفوی باوج عزت و منتهای رفعت خود رسیده
 و کاملاً رنگ و روش ایرانی بخود گرفته است ، از شهر هائی که در این فن مشهور
 شده و در تهیه قرآن های عالی معروف گردیده است ، شهر تبریز میباشد ، قرآنهاى
 خطی که در این شهر بدست نویسندگان خوش خط نوشته میشد علاوه بر سر سوره ها
 و اوائل اجزاء و احزاب صفحات اول و آخر آنها را نیز تذهیب میکردند ،
 علاوه بر قرآن های خطی در این عصر نسخه های خطی بسیار زیبایی از شاهنامه و
 دیوان های شعراء مخصوصاً نظامی و جامی و سعدی نوشته شده است ، و مذهب کاران
 این دوره در آمیختن رنگها باهمدیگر و توافق بین آنها و همچنین در وفق دادن بین
 رسم های هندسی و شاخه نباتات و طرح گل و بوته کمال موفقیت و مهارت را بخرج داده
 و بمنتهی درجه عرقیت رسیده و در موازنه و مماثلت بین اشکال و اجزاء بعدی دقت
 کرده اند که مافوق آن بتصور کسی نیاید ، این دقت و مهارت تنها در رسوم هندسی
 و اشکال کتابها مشاهد نمیشود بلکه در روی کاشیهای که گنبد ها و دیوارها را می
 پوشاند نیز دیده میشود ، و چون بصنعت صحافی نظری اندازیم مشاهده خواهیم کرد
 این طبقه نیز در بن دوره پیشرفت شایانی در صنعت خود کرده اند و توانسته اند
 جلد های طلا کوب که دارای طبقات و مناطق برجسته ای است بسازند و این صنعت
 را که مکمل صنایع کتابت است همدرش سایر صنایع این دوره نمایند .

در قسمت نقاشی میتوان گفت بهزاد بزرگترین استادان این فن ، در
 دوره صفوی در قاشی و صورت کشی حلقه اتصال روش تیموری به روش ایرانی
 صرف داده است ، و عده زیادی از شاگردان این استاد روش جدید را از او فرا گرفته
 و در آن مهارت بسزائی یافته اند ، و بار در این دوره بوده که به تهیه مرقمها برای

جمع آوری عکسهای منفرد و نمونه خطهائی که منسوب به نویسندگان بررک و نقاشان ماهر است شروع گردید و این عادت در میان مردمان صاحب ذوق متداول شده است، اما ظهور نقاش معروف رضای عباسی پس از دوره بهزاد بوده و عده زیادی از هنرمندان اصفهان و سایر شهرهای ایران در کشیدن صورتهای زنان و دختران ماهر و امردان مهی قد از او پیروی نموده اند.

باید اذعان کرد که ترقی و پیشرفت فن نقاشی و صورت کشی تاثیر شدیدی در سایر قسمتهای روش و سبک دوره صفوی داشته است و نفوذ و قدرت صنعتی نقاشها در دو قرن دهم و یازدهم هجری (شانزدهم و هفدهم میلادی) در نقشه های قالی و پارچه بافی و سوفال و چینی سازی تاثیر زیادی کرده است .

ما در آئیه از این آثار فنی گرانیها که یکی ز شکارهای فمون و صنایع ادوار مختلفه ایران بشمار میرود مفصلاً بحث خواهیم نمود، و در آنجا قلیهای خوش رنگ پر بها و نقشهای مختلفی را که رابطه قوی و نزدیکی با تجلید کتابها و فن صحافی دارد مشاهده مینمائیم و منسوجات یرنقش و نگار را با آن گل و بوته و اشکال زیبا که خیلی شبیه و نزدیک باشکال و رسمی است که در کتب خطی دیده میشود و از عشق و علاقه شدید ایرانیان به گلزارها و چمن زارها و سرگذشتهائی که از تاریخ ملی آنها سرچشمه میگردد از مد نظر خواهیم گذرانند و از دیدن تمام آنها چشم و روح و ذوق خود را متمتع خواهیم نمود .

از امتیازات دیگری که در روش و سبک صفوی دیده میشود پیشرفتی است که در زرادخانه آنروز حاصل شده است مخصوصاً این تطور و پیشرفت در بکاربردن شمشیرهای کج و هلالی بجای شمشیرهای مستقیم و پهن که در دوره تیموریان مورد استعمال بود کاملاً محسوس است و بر اثر همین تطور است که خنجرهای صفوی با آن نقش و نگار و گل و بوته و اشکال حیوانات که داشته در عالم اسلامی آنروز معروف

و زیبایی خود مشهور گردیده است.

اینک برای اینکه خوانندگانی که در این فنون تخصصی ندارند و از علم باستان شناسی بهره کافی نبرده‌اند با اهمیت و ارزش فنی و علمی آثار ایران دوره اسلامی از قبیل ابنیه و فنون معماری و کتاب‌نویسی و چینی و سوزن‌سازی و قالی‌بافی و غیره پی ببرند و بتوانند صفات عمومی و ممتاز که این آثار را از آثار سایر کشور های اسلامی متمایز مینمایند مشاهده کنند، مایل هستیم هر یک از این فنون را بعنوان اینکه یک وحدت فنی مستقل و قائم بنفسی است مطرح نموده و در اطراف آن بحث نمائیم بنابراین امیدواریم بتوانیم در صفحات بعد مطالبی را که بطور اجمال در این مقدمه راجع بروشهای مختلفه فنی که در قلوب ایران نشو و نما نموده و بر بعضی از کشورها و مناطقی که از جنبه سیاسی و یا علمی و تمدنی تابع ایران بود پرتو افکنده است شرح دادیم تا حدی، فصلتر بیان نمائیم.

ساختمان و فن معماری

اگر در نظر داشته باشیم که فن عبارت از تعبیری است که انسان بوسیله آن از احساسات روحی خود میکند، و با آن خیالات و عواطف خود را شرح و بیان مینماید اذعان خواهیم کرد مقصود ما از ساختمان از لحاظ تاریخ فن و هنرمندی آن قسمتی نیست که قائم به علوم ریاضی و هندسی است، بلکه منظور ما از ساختمان در اینجا همان مظاهری است که قادر نیستیم آنها را بوسیله استنباط و ادله فنی و میکائیکی و علمی شرح یا تفسیر نمائیم، و شاید این نکته بزرگترین امری باشد که مهندس و با مورخ فنی بآن متوجه بوده و اهمیت میدهند.

معروف این است که فن ساختمان و معماری مقام بسیار ارجمندی را در نزد غربیها دارا میباشد، اینها میان صنایع و فنون زیبا و صنایعی که برای تزیین و آرایش بکار میرود تفاوت میگذارند و در بعضی اوقات قسمت دوم را فنون فرعی (۱) (Minor Arts) مینامند، زیرا آنها معتقدند که مقام نقاش یا معرر برتر از يك صنعتگر میباشد، و البته این نظر درباره فنون غرب صحیح و صادق است اما در تمام روشهای فنی اسلامی فن معماری و ساختمان در يك کفه واقع شده و سایر فنون تزیینی و آرایشی که آنها را فنون فرعی مینامند در کفه دیگر قرار گرفته، علاوه بر این است که فنون و صنایع اسلامی با مصورین آشنائی و تماسی نداشته و تا بلوغ فنی نقاشی نیز جزء طبیعت این فن نبوده و شاید برای این است که اشخاصی مانند دافائیل و روبنتر، و در میان آن محیط آن بوجود نیامده باشند، بنابراین باید گفت در اسلام يك فن اصلی و يك فن فرعی وجود ندارد و در آثار فنی اسلامی فن آرایش و تزیین جزء معماری و سایر فنون محسوب میشود و در رأس آنها قرار گرفته نمیتوان گفت

(۱) بحاجیه شماره (۱) صفحه ۱۰۱ کتاب (کموزانه ظمیر) چاپ مکرر شده

که هنرمندان و ارباب صنایع ظریفه در اسلام در تزیین و آرایش ابنیه از بزرگترین مساعدين معماران و مهندسين ساختمانی بوده‌اند، پس بهترین تقسیم برای فنون اسلامی اینست که بدون قائل شدن باصل و فرع آنها را عموماً بدو قسمت که یکی فن ساختمان و دیگری فنون زیبا و صنایع ظریفه باشد و بکار آرایش و تزیین می‌رود تقسیم نمائیم؛



اگر بخواهیم از تفصیلی که فقط بکار متخصصین و باستان شناسان می‌خورد چشم پوشیده و بایک نظر عامی از معیذات و مشخصات فن معماری و ساختمان ایرانی آگاه شویم، باید موادی را که در این راه در ابنیه خود بکار برده‌اند نیز آگاهی کافی بدست آوریم،

آنچه از گفته جغرافی نویسان قرن سوم هجری (نهم میلادی) فهمیده میشود اینست که ایران دارای شهرهای بزرگی بسیاری بوده و این شهرها عموماً با عمارات و ابنیه بزرگ و عالی آباد بوده اما آنچه ما میدانیم اینست که از عمارات و ابنیه ایرانی ادوار قدیمه اسلامی آثار زیادی برجای نیست، باوجود این از روی همین آثار که هنوز باقی است و از همین ویرانه‌هایی که علماء باستان شناس بر اثر کاوشهای خود در ایران کشف کرده‌اند میتوانیم حقایقی بدست آوریم و تأثیر را که فن معماری ساسانی در ابنیه اسلامی عموماً و ساختمان‌های ایران خصوصاً داشته است در آن‌ها مشاهده نمائیم، و برخواص و معیذات معماری ایرانی و تأثیر مهمی که در معماری اسلامی داشته است واقف گردیم.

بطور عموم میتوان تاریخ معماری ایران را بچهار دوره بزرگ تقسیم نمود، از این قرار: دوره اول از ابتدای فتح اسلامی تا آخر قرن چهارم هجری (اول قرن یازدهم میلادی)، دوره دوم از ابتدای قرن پنجم تا قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی)، دوره سوم سراسر قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی)، دوره چهارم